

## Identifying the political barriers in the way of cultural policy making in Islamic Republic of Iran

Abdul Rahman Afshari<sup>1</sup>  
Majid Tavassoli Roknabadi<sup>2</sup>  
Saeed Sharifi<sup>3</sup>

1. Phd. Student of Public policy making, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran; afshari1362@gmail.com
2. Associate Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author); tavasoli@gmail.com
3. Assistant Professor, Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran; saeed.sharifi2003@gmail.com

**Received:** 30 June 2019; **Accepted:** 30 September 2019

### Abstract

This article is aimed at identifying political barriers in the way of cultural policy making in Iran. For this research a mixed successive discovery method is employed. The research community includes 369 cultural policy experts and elites. Besides, semi-systematic interviews as the first phase and 7 dimensional questionnaires based on collected data through open and axial coding method alongside with 40 testimonies as the second phase played the role of data collection tools. Results indicate that while among all recognized barriers the lack of integrated management system scored the both higher average and higher rating average, the impact portion of such obstacle according to the linear model perspective tends to remain the least. Moreover, the political support factor represents a more serious obstacle to achieving cultural policy making in Islamic republic of Iran. Meanwhile, the community tendency to resistance can predict the cultural policy making achievements in Iran.

**Keywords:** Cultural policy making, cultural policy, cultural theory, cultural engineering, cultural management.

## بازشناسی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

عبدالرحمن افشاری<sup>۱</sup>

مجید توسلی رکن‌آبادی<sup>۲</sup>

سعید شریفی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.  
afshari1362@gmail.com
۲. دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول):  
tavasoli@gmail.com
۳. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران: saeed.sharifi2003@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازشناسی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران انجام گرفت. روش تحقیق آمیخته اکتشافی متوالی بود. جامعه پژوهش در دو سطح نخبگان و کارشناسان سیاست فرهنگی و به تعداد ۳۹۶ نفر بوده و ابزار گردآوری اطلاعات در سطح اول مصاحبه نیمه ساختاریافته و در سطح دوم پرسشنامه در ۷ بعد و ۴۰ گویه براساس داده‌های استخراج شده از طریق کدگذاری باز و محوری در بخش اول بود. نتایج نشان داد اگرچه از بین موانع شناسایی شده فقدان مدیریت یکپارچه دارای میانگین و میانگین رتبه‌ای بالاتری نسبت به سایر موانع است، درحالی‌که سهم تأثیر و اهمیت آن در مدل هم خطی پائین‌ترین میزان است. همچنین عامل حمایت سیاسی نقش تعیین‌کننده‌تری به‌عنوان یک مانع برای تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مدل پیش‌بینی کننده ایفا می‌کند. فقدان نظریه فرهنگی مشخص در سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه متخصصان مانع مهمی در تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است، درحالی‌که میزان تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین اعضای جامعه می‌تواند پیش‌بینی کننده تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باشد.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست فرهنگی، نظریه فرهنگی، مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی.

## مقدمه

اگرچه به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری فرهنگی<sup>۱</sup> هدف عام تأثیرگذاری در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی را دنبال می‌کند (میلر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰)، اما چالش‌های متعددی پیش روی چنین تصویری وجود دارد. وجود سیاست‌های فرهنگ جهانی (گروداچ و سیلور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲) و تنوع فرهنگی فزاینده ناشی از مهاجرت (بنت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ ایوابوچی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸) و شهروندی فرهنگی (زاپاتا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶) و ضرورت میل به وحدت درک‌ثرت براساس رهنمودهای یونسکو به‌ویژه برای جوامع تکثرگرا (پانتل<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵؛ گامر<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶) و اهمیت یافتن موضوعات جدیدی مانند دیپلماسی فرهنگی در عرصه سیاسی (انگ و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵) معنای سیاست فرهنگی سنتی را با چالش اعتبار مواجه کرده است.

کینگ<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۹) در اثر جدید خود با عنوان «حکومت‌داری فرهنگی در یک متن جهانی»<sup>۱۱</sup> اینگونه بحث می‌کند که چالش‌های جدید جهانی برای عرصه‌های فرهنگ و هنر به‌ویژه از طریق تنوع فرهنگی و محدودیت‌های دولت‌های ملی تحولاتی در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی به‌واسطه میزان مداخله و قدرت نفوذ ایجاد کرده است.

در واقع سیاست فرهنگی اگرچه بخش کوچکی از بودجه‌های دولت‌ها را به خود اختصاص

- 
1. Making of Cultural Policy
  2. Miller
  3. Grodach & Silver
  4. Bennett
  5. Iwabuchi
  6. Zapata
  7. Pantel
  8. Garner
  9. Ang et al
  10. King
  11. Cultural Governance in a Global Context

می‌دهد، اما بخش بزرگی از پیچیدگی سیاسی کشور را هدایت می‌کند. چراکه مجموعه بزرگ و ناهمگونی از افراد و سازمان‌هایی که در ایجاد، تولید، ارائه، توزیع، حفظ و آموزش در مورد میراث زیبایی‌شناسی و فعالیت‌های سرگرمی، محصولات و مصنوعات فرهنگی مشغول به کار هستند را شامل می‌شود (ویسومیریسکی و چانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

از آنجایی که فرهنگ یک مزیت عمومی است، دولت‌ها به دنبال آن هستند که برنامه‌هایی برای ارتقای دسترسی بیشتر به این فرصت را فراهم آورند (زیمبیلایس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). علاوه بر این، دولت‌ها می‌توانند از طریق مداخله هدفمند در فرهنگ عمومی جامعه سیاست‌های کنترلی و توسعه‌ای فرهنگ را پیاده‌سازی کنند. در ایران این موضوع می‌تواند از طریق تامین امنیت فرهنگی (قربان‌پور دشتکی، ۱۳۹۶) اهداف هویتی در مواجهه با تمدن غرب (دیلمقانی و قاسمی، ۱۳۹۶) و توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران (صدرای، ۱۳۹۶) فراهم شود. از این رو، عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی یکی از پرچالش‌ترین و مناقشه برانگیزترین عرصه‌های سیاست‌گذاری کشور است که می‌تواند اهداف و اغراض سیاسی را به بدنه جامعه تحمیل کند.

از سوی دیگر، همواره بین سیاستمداران برای تحقق چنین فرضی توافق وجود ندارد و همین امر موانع متعددی را در مسیر سیاست‌گذاری فرهنگی ایجاد می‌کند. ریشه چنین اختلافی به موضع تعریف فرهنگ و نسبت سیاست با آن برمی‌گردد. در این عرصه دو مثنی نخبه‌گرایی و پوپولیسم فرهنگی<sup>۳</sup> را می‌توان از هم متمایز کرد؛ طرفداران موضع نخبه‌گرا، استدلال می‌کنند که سیاست‌گذاری فرهنگی باید بر کیفیت زیبایی‌شناختی به‌عنوان معیار تعیین‌کننده برای مزایای عمومی تأکید کند (لوک و کرسل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). این دیدگاه به‌طور معمول از سازمان‌های بزرگ فرهنگی، هنرمندان خلاق در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر، به‌ویژه هنرهای زیبا، منتقدان

- 
1. Wyszomirski & Chang
  2. Zembylas
  3. Cultural populism
  4. Luke & Kersel

فرهنگی و مخاطبان تحصیل کرده به‌خوبی حمایت می‌کند (فرانکلین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

درحالی‌که طرفداران پوپولیسم اغلب طرفداران هنرهای اقلیت، هنرهای قومی، یا فعالیت‌های فرهنگ پایین هستند (مولکای<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). تناقض‌های کلیدی برای سیاست‌گذاری فرهنگ ملی بین اهداف نخبگان در مقابل دسترسی سیاست‌گذاران به فرهنگ «به‌عنوان همه‌چیز» چالش‌هایی را در بین نقش‌های دولتی سازمان‌های فرهنگی به‌عنوان تسهیل‌کننده ایجاد می‌کند (کرایک و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ پرات<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ رایبسون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸).

کشورهای مختلف برای تدوین سیاست فرهنگی ملی خود راهبردهای متنوعی همچون راهبرد نخبه‌گرا<sup>۶</sup> که با رویکرد زیبایی‌شناسانه بر نقش هویت ملی از طریق حفظ و حراست میراث فرهنگی و احیای گذشته تاریخی در راستای تقویت غرور ملی تأکید دارد (مولکای، ۲۰۰۶) و راهبرد توسعه‌ای<sup>۷</sup> که با دغدغه پیوند بین فرهنگ و توسعه بوده و محورهایی چون همگانی کردن فرهنگ، پی‌ریزی مبانی فرهنگی برای سیاست‌های اقتصادی، توسعه متوازن بخش فرهنگ با سایر بخش‌ها و توجه به افزایش تولیدات فرهنگی را مدنظر داشته است. راهبرد کثرت‌گرا<sup>۸</sup> در توسعه و محورهایی چون تکثر و تنوع فرهنگی، حقوق فرهنگی، تأکید بر فرد به جای جامعه، تأکید بر گروه‌های ویژه در معرض سلطه فرهنگی نظیر زنان و اقلیت‌های قومی و دینی و جهان‌گرایی متمرکز شده است (وحید، ۱۳۸۳). تفاوت این راهبردها در عمل چالش‌های زیادی بر سیاست‌گذاری فرهنگی ایجاد می‌کند. شواهد نشان می‌دهد در ایران رابطه دوسویه فرهنگ و

- 
1. Franken
  2. Mulcahy
  3. Craik et al.
  4. Pratt
  5. Robinson
  6. Elite strategy
  7. Development strategy
  8. Pluralist strategy

سیاست‌گذاری، ظرفیت بالقوه مؤثر و فراوانی در ایجاد تحولات فرهنگی و مدیریتی دارد که بخش بسیار کوچکی از آن به فعلیت رسیده است (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱؛ صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷؛ نقش، ۱۳۹۴).

با این وجود تعدد، ناهماهنگی و ناسازگاری میان مراکز سیاست‌گذار فرهنگی، عدم تدوین شاخص‌های قابل رصد، برخورد شعاری با سیاست‌های فرهنگی، عدم تعیین مسئولیت دستگاه‌های فرهنگی، ضعف در پویایی و روزآمدی سیاست‌های فرهنگی متناسب با تغییرات محیطی و مقتضیات زمان، فقدان تفاهم و دیدگاه مشترک مجریان، کم‌توجهی به نهادهای مردمی، عدم اولویت‌بندی سیاست‌ها، ضعف در نظارت مؤثر و کم‌توجهی به نظارت همگانی و خودکنترلی، تناقض در سیاست‌های اعمالی، ابهام در ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی با سایر سیاست‌ها از جمله مهم‌ترین آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آیند (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های بسیاری در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی انجام شده است که به طور کلی بر این نکته تمرکز دارند که عمده‌ترین چالش‌های پیش‌روی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی شامل موارد ذیل است: وجود مراکز متعدد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، عدم تعیین اولویت‌ها و سلسله مراتب برنامه‌های فرهنگی، عدم ارتباط برنامه‌ریزی فرهنگی با برنامه‌ریزی‌های سایر حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، عدم یکپارچگی در خصوص رسالت‌ها و دیدمان‌ها و فقدان نظام دقیق ارزیابی عملکرد و تعیین شاخص‌ها و استانداردها در حوزه فرهنگ (صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷). انفعالی بودن، سطحی‌نگری، عوام‌زدگی، مقطعی بودن، گذشته‌نگری، سیاست‌زدگی رویکرد ابزار انگارانه به فرهنگ، برداشت متفاوت برنامه‌ریزان از فرهنگ و برنامه‌ریزی فرهنگی، عدم توجه به خصوصیات فرهنگ، عدم توجه به نیازهای فرهنگی (نقش، ۱۳۹۴) و مواردی اینچنینی نشان می‌دهد بیشتر موارد ذکر شده یا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به حوزه سیاسی مرتبط می‌شوند، اگرچه از حوزه سیاسی متمایز هستند.

### سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

در مورد وجود سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی، نظرات متفاوتی وجود دارد: از یک سو برخی معتقدند که پس از انقلاب، در وجود چیزی که بتوان به آن دقیقاً «سیاست فرهنگی» اطلاق کرد، تردید وجود دارد (قاضیان، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، برخی معتقدند که بعد از انقلاب اسلامی، رهبران سیاسی کشور متأثر از اندیشه‌های چپ و به منظور مقابله با لیبرالیسم فرهنگی غرب، ناخواسته، به سازوکارهای حکومتی دولت‌های شرقی و کمونیستی روی آوردند که به واسطه آن دولت در همه جلوه‌های مختلف زندگی اجتماعی دخالت کرد و به امید ایجاد مدینه فاضله فرهنگی، امور فرهنگی را نیز در حوزه امر سیاسی به شمار آورد و تصدی آن را خود به عهده گرفت (سیف‌زاده، ۱۳۸۲).

صالحی امیری (۱۳۹۳) مطرح می‌کند گفتمان انقلابی در ایران در آستانه جنگ هشت ساله از سال ۱۳۵۹ آغاز و تا ۱۳۶۷ ادامه یافت. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ که به دوره بازسازی نیز معروف است، الگوی بازسازی/ توسعه اقتصادی را در برمی‌گیرد. در دوره اصلاحات که از سال ۱۳۷۶ آغاز و تا سال ۱۳۸۴ ادامه یافت، بحث از جامعه مدنی و توجه به مطالبات سیاسی - اجتماعی در دستور کار قرار گرفت.

کاشی (۱۳۸۲) دو نوع سیاست فرهنگی «الگوی اقتدارگرایانه» و «الگوی دموکراتیک» را در ایران از یکدیگر تفکیک می‌کند. در الگوی اقتدارگرایانه، بیشترین توجه به تولیدکننده کالای فرهنگی است و مصرف‌کننده کالای فرهنگی، تنها از حیث افزایش امکان اثرگذاری کالاهای حامل ارزش‌های دینی مورد توجه است.

اشتریان (۱۳۸۱) از نوعی سیاست فرهنگی هدف‌گرا یاد می‌کند که در آن تصمیم‌گیران، درک نظری خود را از جهان، انسان، جامعه و فرهنگ مبنا قرار می‌دهند. این نوع سیاست فرهنگی، مبتنی بر درکی هستی‌شناسانه است که در همه ساختارها و نهادهای اجتماعی از نظمی هستی‌شناسانه پیروی می‌کنند. این نظم می‌تواند مبنای متفاوتی داشته باشد، از جمله مبنای مذهبی یا فلسفی. بدین ترتیب نظریه‌های فرهنگی که مبنای سیاست‌گذاری فرهنگی قرار می‌گیرند، لزوماً به واسطه استقراء از واقعیت‌های عینی اجتماعی استخراج نمی‌شوند، بلکه محصول درک و فهم جایگاه انسان در

هستی و وظایف مترتب بر او هستند. از این رو، سیاست فرهنگی هدف‌گرا، در عمل دستوری و در فهم، نخبه‌گرا است.

بلیفورد و بنت<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، در پژوهشی با هدف بررسی واقعیت‌های سیاست‌گذاری فرهنگی، تاثیرات هنر بر این موضوع را به خوبی نشان می‌دهند. این پژوهش بازتابی از امکان و مزیت بالقوه توسعه یک رویکرد مبتنی بر علوم انسانی برای ارزیابی تأثیر هنر است که تلاش می‌کند تا براساس یک پارادایم سیاست‌گذاری فرهنگی را تبیین نماید؛ اما الزام چنین هدفی نیازمند توافق جمعی سیاستمداران در حوزه‌های فرهنگی است.

در همین راستا، روبرگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷)، مطرح می‌کنند از آنجا که دولت‌های فدرال و ولایتی، اهداف مشخصی را برای توسعه یک سیاست فرهنگی دیجیتال ترویج می‌دهند، دولت کانادا ضرورتاً سیاست‌گذاری فرهنگی خود را نسبت به آینده فرهنگ دیجیتال باید جهت‌دهی کند و بر پایه همین واقعیت تنش‌های آتی را کنترل کند.

عدم توافق مسئولین به‌ویژه در حوزه‌هایی که استقلال در تصمیم‌گیری دارند، می‌تواند چالش‌هایی را برای سیاست‌گذاری فرهنگی ایجاد کند. کولاویتی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸)، نشان دادند که سرمایه فرهنگی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری فرهنگی ایتالیا به حساب می‌آید، اما این امر به شدت تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی حاکم بر ایتالیا است.

بازیار و محمدی (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که ماهیت جمهوری اسلامی براساس یک قدرت نرم به نام فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی آن بر مبنای فرهنگ اسلامی استوار است. نتایج تحقیق آنها نشان داد در آغاز انقلاب اسلامی، سیاست‌گذاری سیستماتیک وجود نداشت و سیاست‌گذاری در هر صورت براساس یک رویکرد ایده‌آل صورت می‌گرفت و حکومت نقش اجرایی داشت. پس از جنگ

---

1. Belfiore & Bennett

2. Roberge et al.

3. Colavitti et al.



تحمیلی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی سیستماتیک شد و با دیدگاه توسعه و واقع‌بینانه‌ای روبرو شد و نقش دولت از اجرایی به نقش حامی و نظارتی تغییر کرد. با توجه به خرده فرهنگ‌ها، الگوی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تنوع در فرهنگ‌های مختلف است و مدل آن یک منطقه محلی بوده که شباهت بیشتری با مدل‌سازی سیاست‌های متعادل دارد.

سیف‌زاده (۱۳۸۲)، سیاست فرهنگی دولت‌ها در ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی را نوعی سیاست فرهنگی لیبرال می‌داند که به نحوی «لیبرالیسم فرهنگی» را در دستور کار داشته است و جز در موارد معدودی که روحانیت این ایده را به چالش می‌کشیده، درصدد اجرایی کردن آن بوده‌اند. پس از انقلاب اسلامی، رهبران سیاسی متأثر از اندیشه چپ، ناخواسته، به سازوکارهای دولتی بلوک شرق برای دخالت در عرصه اجتماعی و فرهنگی روی آوردند و به امید تحقق مدینه فاضله اسلامی، امر فرهنگی را نیز در حوزه امر سیاسی قرار دادند.

قاضیان (۱۳۸۲) نیز معتقد است که در جمهوری اسلامی باید به دنبال نوعی «سیاست فرهنگی پسینی» بود و نه از پیش تعیین شده (پیشینی). از نظر او موضوع سیاست فرهنگی، «تولید و توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی» بوده و منظور از کالاهای فرهنگی نیز «کالاهایی است که اصولاً برای تعالی ذات نوع بشر تولید می‌شوند» (قاضیان، ۱۳۸۲: ص ۱۱۸). او روش خود را در تعریف الگوهای سیاست فرهنگی، روش «تیپ ایده‌آل‌سازی» معرفی می‌کند و معتقد است که سیاست فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، سیاست فرهنگی پیشینی بوده و «کنترل فرهنگ یا کنترل کالاهای فرهنگی» و به عبارتی، شکل، محتوا و حتی شیوه تولید و توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی را نیز شامل می‌شود.

باقری (۱۳۸۶)، به تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور پرداخته و مصوبات آن را از منظر «مقولات سیاست فرهنگی» در سه بازه زمانی (۱۳۷۱-۱۳۶۳)، (۱۳۷۶-۱۳۷۱) و (۱۳۸۵-۱۳۷۶) مورد بررسی قرار داده است. نتیجه این تحقیق، با توجه به عدم توازن طول دوره مورد مطالعه و تعداد مصوبات و نیز عوامل ساختاری و بیرونی مؤثر بر عملکرد شورا، تفاوت چندانی در مورد مصوبات

این شورا از نظر رویه حاکم بر آنها شامل کثرت‌گرایی فرهنگی، وحدت فرهنگی و وحدت در کثرت فرهنگی نشان نمی‌دهد (باقری، ۱۳۸۶: ص ۷۱-۶۸).

### موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی، از نظر روش پژوهش با روش آمیخته اکتشافی متوالی (کیفی و کمی) انجام گرفت. در فاز کیفی، با توجه به هدف اصلی پژوهش، روش تحقیق مورد استفاده از نوع تحلیل محتوی مصاحبه بر مبنای رویکرد استقرائی (مبتنی بر داده) است. در بخش کمی روش پژوهش توصیفی<sup>۱</sup> بوده و از آنجایی که مستلزم تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه و توزین متغیرها در جمعیت‌های کلانی بوده که امکان دسترسی به تمامی آنها وجود ندارد، از نوع پیمایشی<sup>۲</sup> است.

جامعه پژوهش در بخش اول متخصصان علوم سیاسی و اساتید خبره در زمینه مسائل مرتبط با سیاست‌گذاری و فرهنگ بودند که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند وابسته به معیار، با در نظر گرفتن معیارهای صاحب مقاله، اثر، سخنرانی در زمینه موضوع پژوهش انتخاب شد و تا حد اشباع نظری داده‌ها با ۸ نفر ادامه یافت. در فاز دوم جامعه آماری پژوهش شامل کلیه متخصصان موضوعی در دانشگاه‌های آزاد و دولتی اصفهان بود و این متخصصان شامل نویسندگان و اساتید دانشگاه، کارشناسان ارشد سازمان‌های فرهنگی، مدیران کل و معاونین سازمان‌های فرهنگی مجری سیاست‌های فرهنگی که از موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی اطلاع دارند را شامل می‌شود. از آنجا که براساس فرمول‌های نمونه‌گیری، در بیشترین حالت در جامعه محدود، ۳۸۴ نفر از جمعیت کافی است، اما برای اطمینان از کفایت نمونه‌ها حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. تعداد ۳۹۶ پرسشنامه پس از توضیح بازگشت داده شد و در تحلیل داده‌ها مورد استفاده

---

1. Descriptive

2. Survey research

قرار گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. در بخش دوم برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه مبتنی بر داده‌های فاز اول استفاده شد و داده‌ها در ۴۰ مؤلفه و ۷ دسته قرار گرفتند.

برای سنجش روایی پرسشنامه، از طریق بازگشت به مشارکت‌کنندگان و ممیزی توسط همکار استفاده شد.

همچنین برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر از روش بازآزمایی استفاده شد. در این روش در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند.

برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام‌گرفته دو مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آن‌ها دوبار در یک فاصله زمانی ۲۰ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شدند. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام‌گرفته در این تحقیق، برابر ۸۷ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

برای ارزیابی روایی محتوایی از ضریب نسبی روایی محتوا<sup>۱</sup> استفاده شد. برای تعیین ضریب نسبی روایی محتوا از ۱۰ متخصص رشته‌های علوم انسانی، علوم سیاسی، مدیریت فرهنگی و حقوق درخواست شد تا هر مورد را براساس طیف دو قسمتی «ضروری است» و «ضرورتی ندارد» بررسی کنند.

تمام ضرایب توافق محاسبه شده بالاتر از ۰,۶۸ مورد تأیید قرار گرفت. در این پژوهش به منظور تعیین پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ<sup>۲</sup> استفاده شد.

---

1. Ratio Content Validity (CVR)

2. Cronbachs alpha coefficient

جدول (۱). ضرایب پایایی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی

ضریب آلفا	متغیرها
۰٫۸۶	عدم اجماع و انسجام سیاسی
۰٫۸۳	فقدان مدیریت یکپارچه
۰٫۸۴	هویت سیاسی
۰٫۸۷	ضعف عملکرد سیاسی
۰٫۸۹	نزاع سیاسی رقیب
۰٫۸۸	عدم حمایت سیاسی
۰٫۸۷	نگرش سیاسی

روش تجزیه و تحلیل بخش اول استقرایی و با استفاده از کدگذاری باز و محوری انجام شد. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و تعمیم نتایج از روش‌های آمار استنباطی تی تک راهه<sup>۱</sup>، فریدمن<sup>۲</sup> و همچنین روش ضریب همبستگی و تحلیل عاملی در بخش دوم استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

همان‌طور که داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، ابعاد و مؤلفه‌های موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران براساس مصاحبه‌ها بار عاملی استخراج شده آن گزارش شده است.

- 
1. One Sample t test
  2. Friedman test

جدول (۲). بار عاملی و ضرایب تأیید ابعاد و مؤلفه‌های موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

معنی‌داری	کای دو	ضریب کفایت نمونه	ضرایب آلفا	میانگین گویه‌ها	بار عاملی استخراجی	گویه‌ها	ابعاد	ردیف
۰,۰۰۰	۱۷۵۷,۰۳۷	۰,۸۸	۰,۸۶	3.5556	.852	تمرکزگرایی در سیاست‌گذاری	علم اجتماع و انسجام سیاسی	
				3.7854	.855	تغییرات سیاست‌های فرهنگی به صورت سلیقه‌ای		
				3.7298	.842	ضعف فرهنگ گفت‌وگو و دیپلماسی حزبی		
				3.6111	.752	جناح‌گرایی و استبدادزدگی حاکم		
				3.7298	.707	تشکیک در نظریه فرهنگی جمهوری اسلامی		
۰,۰۰۰	۲۰۰۳,۹۴۷	۰,۶۶	۰,۸۳	3.7449	.898	فقدان استراتژی کلان و تکنیک‌های مکمل	فقدان مدیریت یکپارچه	
				3.8510	.887	ایجاد شکاف نسلی مدیران در آگاهی سیاسی		
				3.5177	.745	بی‌هنجاری فعالیت‌های سیاسی		
				3.8788	.880	تقویت روحیه فردگرایی در تصمیم‌گیری		
				3.9621	.965	فقدان نظریه فرهنگی مشخص در سیاست‌گذاری		

۰,۰۰۰	۴۷۵۹,۲۱۶	۰,۷۸	۰,۸۴	3.9773	.895	اهمیت چهره‌ها و افراد به جای احزاب سنتی	توسعه سیاسی	
				3.8510	.864	افزایش گرایش به سکولاریزاسیون در بین مسئولان سیاسی		
				3.9369	.943	تقویت مولفه‌های هویت غربی در سیاست‌گذاری		
				3.9621	.965	ایجاد مرجعیت سیاسی کاذب و تضعیف مرجعیت سنتی		
				3.8359	.940	ایجاد چالش مشروعیت یا مقبولیت نظام سیاسی		
				3.8283	.825	ناکامی سیاسی در بازتولید هویت مطلوب		
				3.7677	.919	تقویت نزاع سیاسی هویت اسلامی - ایران - غربی		
				3.7955	.942	چالش سیاسی پذیرش اقلیت‌ها		
۰,۰۰۰	۳۱۹۲,۷۶۹	۰,۸۳	۰,۸۷	3.9066	.869	سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پائین	ضعف عملکرد سیاسی	
				3.5682	.885	تکثر نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی موازی کار		
				3.8611	.881	تنوع خط‌مشی‌های نهادهای سیاست‌گذار		
				3.7096	.858	عدم توفیق سیاست‌گذاران در کنترل مفاسد اخلاقی و فرهنگی		

				3.8838	.854	بی‌تقوایی سیاسی برخی مدیران اثرگذار		
				4.1010	.835	عدم پایداری به اصل عدم مداخله سیاسی در محتوای اثر هنری		
				3.5732	.860	ایجاد رقابت درونی سازمان‌ها برای تحقق سیاست‌های سازمانی		
				3.7652	.908	فقدان مهارت‌های سیاسی مدیران فرهنگی		
۰,۰۰۰	۴۹۲۹,۵۵۷	۰,۸۱	۰,۸۹	3.8157	.933	فشار نهادهای سیاسی بین‌المللی	تضعیف سیاست‌ریزی	
				3.8384	.933	گفتمان‌های رقیب موجود در منطقه (لیبرال دموکراسی)		
				3.5934	.748	گفتمان اسلام وهابیت در دهه اخیر		
				3.9646	.856	گفتمان اسلام سیاسی تساهل‌گرا (ترکیه)		
				3.9848	.871	تقویت خرده گفتمان‌های رهایی‌بخش		
				3.9874	.871	مناقشه سیاسی در همکاری‌ها و تحقیقات بین‌المللی		

۰,۰۰۰	۱۰۹۱,۷۵۷	۰,۸۲	۰,۸۸	3.2677	.841	تضعیف رفتارهای مذهبی سیاسی (نماز جمعه، تظاهرات و...)	علم همپای سیاسی	
				3.2298	.722	نقد نظام‌های ایدئولوژیک		
				3.5833	.787	تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه		
				3.3384	.775	بی‌اعتمادی مردم به مسئولین و کارگزاران حکومتی		
۰,۰۰۰	۵۵۷,۴۱۰	۰,۷۹	۰,۸۷	3.4975	.695	منطق سیاسی سیاه و سفید	رنگ سیاسی	
				3.5354	.607	ضعف نگرش تساهل و تسامح سیاسی		
				3.1616	.641	میل به فیلترینگ سیاسی		
				3.0758	.750	غلبه نگرش مصلحت سیاسی به منفعت ملی		

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، می‌توان ابعاد و مؤلفه‌های موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در ۴۰ گویه و ۷ دسته طبقه‌بندی کرد. با توجه به نتایج بارهای عاملی<sup>۱</sup> که بالاتر از ۰,۴ گزارش شده‌اند، می‌توان همبستگی درونی عوامل هر دسته را نیز تأیید کرد.

همان‌طور که داده‌های مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، میانگین ابعاد و ضرایب تأثیر هر یک از گویه‌ها در تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گزارش شده است.

۱. بارعاملی (factor loading) از طریق محاسبه‌ی مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود.



جدول (۳). میانگین ابعاد و ضرایب تأثیر هر یک از گویه‌ها در تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

متغیرها	بازگشت	میانگین رتبه‌ای	ضریب کای دو	ضریب هم‌خطی در مدل	ضریب اهمیت در مدل	ضریب آکایکه <sup>۱</sup>	سطح معناداری
عدم اجماع و انسجام سیاسی	۳,۶	۳,۶۶	۹۸۷,۷۲۰	۰,۱۲	۰,۱۲	-۲۵۵۷,۰۹	۰,۰۰۰
فقدان مدیریت یکپارچه	۴,۷	۶,۵۹		۰,۰۷	۰,۱		۰,۰۰۰
هویت سیاسی	۳,۸	۴,۳۳		۰,۱۲	۰,۱۲		۰,۰۰۰
ضعف عملکرد سیاسی	۳,۷	۳,۹۲		۰,۱۲	۰,۲		۰,۰۰۰
نزاع سیاسی رقیب	۳,۸	۴,۳۵		۰,۱	۰,۱۴		۰,۰۰۰
عدم حمایت سیاسی	۳,۳	۲,۹۱		۰,۳۱	۰,۳۳		۰,۰۰۰
نگرش سیاسی	۳,۳	۲,۲۴		۰,۱۴	۰,۰۹		۰,۰۰۰

همان‌طور که اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد، از بین موانع شناسایی شده، «فقدان مدیریت یکپارچه» دارای میانگین و میانگین رتبه‌ای بالاتری نسبت به سایر موانع است، درحالی‌که سهم تأثیر و اهمیت آن در مدل هم‌خطی پائین‌ترین میزان است. همچنین عامل حمایت سیاسی نقش تعیین‌کننده‌تری به عنوان یک مانع برای تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مدل پیش‌بینی کننده ایفا می‌کند.

### نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در

1. Akaike information criterion

جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در هفت دسته: عدم اجماع و انسجام سیاسی، فقدان مدیریت یکپارچه، هویت سیاسی، ضعف عملکرد سیاسی، نزاع سیاسی رقیب، عدم حمایت سیاسی و نگرش سیاسی بازشناسی کرد. از میان عوامل موجود و براساس نظر متخصصان، «فقدان مدیریت یکپارچه» شامل فقدان نظریه فرهنگی مشخص در سیاست‌گذاری، ایجاد شکاف نسلی مدیران در آگاهی سیاسی، بی‌هنجاری فعالیت‌های سیاسی، تقویت روحیه فردگرایی در تصمیم‌گیری و فقدان استراتژی کلان و تکنیک‌های مکمل است. در این دسته همان‌طور که از اطلاعات جدول ۲ برمی‌آید، بالاترین میانگین مربوط به «فقدان نظریه فرهنگی مشخص» در سیاست‌گذاری است؛ این عامل می‌تواند سیاست‌های فرهنگی کشور را در دوران مختلف سیاسی دستخوش تغییر و عدم تحقق در اجرا نماید.

نتایج این پژوهش با نتایج قاضیان (۱۳۸۲)، سیف‌زاده (۱۳۸۲) و شریفی و فاضلی (۱۳۹۱)، صالحی امیری و کاوسی (۱۳۸۷) همسویی دارد. چالش‌های پیش مطرح شده پیرامون موضوع سیاست فرهنگی همچون عدم توازن و سطحی‌نگری نسبت به فرهنگ و تمایل به آرمان‌گرایی در سیاست، ناشی از فقدان نظریه فرهنگی مشخص در سیاست‌گذاری، سبب مداخلات غیر حرفه‌ای در امر فرهنگی و از هم گسیختن فرهنگ در عین سیاست صرفاً «تاکیدی» خواهد شد. مقاومت حوزه سیاست برای واگذاری امر فرهنگی به مجریان و مداخله از طریق الزام و محدودیت‌های اجرای امر فرهنگی، به چالش‌های فرهنگ در آینده دامن خواهند زد، چرا که باعث ایجاد مقاومت از طریق مناسک به واسطه کاهش آگاهی فرهنگی در جامعه خواهند شد.

همان‌طور که کانینگهام<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) بحث می‌کند که اگرچه مطالعات فرهنگی تحت تأثیر سیاست‌های فرهنگی است، اما سیاست‌های فرهنگی براساس نظریه‌های فرهنگی مورد اجماع سیاستمداران طرح‌ریزی می‌شود؛ نکته ای که به رابطه دو سویه آن کمتر توجه شده است. آهن<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) براساس

---

1. Cunningham

2. Ahearne

نظریه‌های بوردیو<sup>۱</sup>، دو سرتو<sup>۲</sup> و دبره<sup>۳</sup> نسبت بین نظریه فرهنگی و سیاست را تبیین می‌کند. او در نهایت نتیجه می‌گیرد سیاست‌های فرهنگی فرانسه تحت تأثیر دیدگاه‌های غالب این نظریه‌پردازان فرهنگی بوده است. در همین راستا سیدلو<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) تحلیل می‌کند که نظریه فرهنگی در حوزه سیاست برای کشف، توضیح دادن و پیش‌بینی قوانین در رفتار انسانی یک تئوری سازنده‌گرا است. وجود نظریه می‌تواند چگونگی سیستم‌های اعتقادی، ائتلاف‌ها و علل تغییر سیاست در چارچوب ائتلاف دفاع را مشخص کند. همچنین وی معتقد است که وجود نظریه فرهنگی مشخص مقاومت در برابر تغییر سیاست و منابع تغییر سیاست را مشخص خواهد کرد و می‌تواند منابع همکاری در شبکه‌های سیاسی و همچنین منابع انحلال شبکه را پیش‌بینی کند.

در بسیاری از موارد سیاستمداران مایل‌اند به دلایلی چون مهندسی و مدیریت فرهنگی جامعه را به سمت مصرف فرهنگی خاصی سوق دهند، در واقع در این حالت سرمایه‌های فرهنگی تابعی از سیاست فرهنگی خواهد شد. شواهد زیادی در این زمینه وجود دارد که سیاستمداران با زمینه‌های روشنفکری در سیاست فرهنگی تلاش می‌کنند مصارف فرهنگی طبقه بالای اقتصادی را حتی برخلاف گرایش‌های واقعی در جامعه حاکم کنند. درحالی‌که سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه نابرابری‌های اجتماعی تا حد زیادی به مصرف فرهنگی معطوف است؛ شواهد فرانسه دهه ۱۹۶۰ میلادی از این واقعیت حکایت دارد که افراد برخلاف سیاست‌گذاری فرهنگی، مصارف فرهنگی را براساس مقاومت در برابر نابرابری‌های اجتماعی انتخاب می‌کردند (دوبوس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). دقیقاً در همین نقطه تنش بین سیاست‌های فرهنگی عام و خاص یا همان نخبه‌گرایی و پوپولیسم ظهور می‌کند. این موضوع کلیشه‌های متضاد سیاست فرهنگی مستقل و سیاست فرهنگی عام را در

- 
1. Pierre Bourdieu
  2. Hebert & Rykowski
  3. Régis Debray
  4. Swedlow
  5. Dubois

مقابل هم قرار می‌دهد. رویکرد گسترده‌ای که در سیاست فرهنگی عام مطالبه می‌شود، ضرورتاً حوزه مداخلاتی دولت را به عرصه‌های خصوصی تسری می‌دهد. تمرکز مداخلات دولت به منظور مدیریت پدیده‌های فرهنگی از طریق سیاست‌گذاری فرهنگی، چالش پایداری روش‌های سنتی فرهنگی محلی و پدیده‌های ظهور یافته جهانی را خواهند یافت. از این رو سیاست‌ها با چالش جهان محلی شدن مواجه خواهد شد (هربرت و روکوسکی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

در این میان اما مزیت رقابتی در سیاست‌گذاری فرهنگی برای دولت‌هایی است که با مطالعات فراتر از زمان خود در تلاش‌اند آینده محتمل را پیش‌بینی و بر پایه آن سیاست‌گذاری کنند. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیشتری دارد، تلاش برای معماری آینده است.

به منظور تقویت نظریه فرهنگی در سیاست‌گذاری برای ایجاد مدیریت یکپارچه و منسجم فرهنگی توجه به شاخص‌های رویکرد کثرت‌گرا اهمیت می‌یابد. پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد بسترهای لازم برای اجتناب از نخبه‌گرایی و کاهش تمرکزگرایی در امر فرهنگ، نه تنها اجرا، بلکه سیاست‌گذاری به نهادهای فرهنگی مجری واگذار گردد. انفکاک سیاست از عمل، به آرمان‌گرایی در نظر می‌انجامد. بسیاری از خبرگان بر این که امر فرهنگی در حوزه امور سیاسی قرار گیرد، اعتراض دارند و نتیجه آن را آرمان‌گرایی و مقاومت از طریق مناسک می‌دانند؛ پدیده‌ای که در ایران بعد از انقلاب نیز به چشم می‌خورد. توسعه مفاهیم فرهنگی در اسناد بالا دستی به ویژه سواد فرهنگی و بسترسازی برای تحقق آن از طریق افزایش مشارکت در امر فرهنگی، توسعه دیپلماسی‌های شهروندی (عقود خواهرخواندگی)، توسعه حوزه عمومی از پیشنهادهاتی است که به نظر می‌رسد آگاهی اجتماعی پیرامون فرهنگ را توسعه می‌دهد.

---

1. Hebert & Rykowski

## منابع

۱. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱). روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: کتاب آشنا.
۲. باقری، محمدرضا (۱۳۸۶). تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی. در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ج ۴، ص ۷۱-۶۸.
۳. دیلمقانی، فرشید؛ قاسمی ترکی، محمدعلی (۱۳۹۶). جایگاه هویت ملی در ایران نگاهی به تطور تاریخی الگوها و سیاست‌های هویت ملی از زمان باستان تا دوره‌ی پهلوی اول. سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره ۱۹: ص ۱۷۶-۱۵۵.
۴. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری فرهنگی و میزان مداخله دولت در آن: تاملی نظری. در: سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز. مجید وحید. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۵. شریفی سیدعلیرضا؛ فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها). مجلس و راهبرد، دوره ۱۹، شماره ۶۹: ص ۵۵-۹۰.
۶. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۳). بررسی چالش‌های سیاست فرهنگی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مجمع نظام.
۷. صالحی امیری، سیدرضا؛ کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر مراحل اجرایی برنامه‌ریزی جامع فرهنگی. پژوهشنامه (پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت)، شماره ۲۸.
۸. صدرا، علیرضا (۱۳۹۶). افق و تدابیر سیاسی الگوی توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران. سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره ۱۶: ص ۲۵-۴۰.
۹. قاضیان، حسین (۱۳۸۲). بن‌بست سیاست فرهنگی در ایران امروز. در: سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز. مجید وحید. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۰. قربان‌پور دشتکی، علی (۱۳۹۶). رهیافت فرهنگ استراتژیک ملی در الگوی دیپلماسی فرهنگی چندجانبه با تأکید بر امنیت فرهنگی. سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره ۱۹: ص ۹۵-۱۱۲.
۱۱. کاشی، جواد غلامرضا (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری اقتدارگرایانه و دموکراتیک فرهنگی. در:

سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز. مجید وحید. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.  
 ۱۲. نقش، امیررضا (۱۳۹۴). طراحی الگوی ارزیابی و انتخاب روش‌های آینده‌نگاری در چرخه  
 سیاست‌گذاری فرهنگی. رساله دکتری، رشته آینده‌پژوهی، دانشگاه تهران.  
 ۱۳. وحید، مجید (۱۳۸۳). کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی: بررسی زمینه‌های فکری - تاریخی،  
 موضوع و چشم‌انداز تصویب و تبعات در سیاست‌گذاری فرهنگی. سیاست، دوره ۶۳:  
 ص ۲۵۳-۲۶۹.

14. Ahearne, Jeremy (2004). **Between cultural theory and policy: the cultural policy thinking of Pierre Bourdieu, Michel de Certeau and Régis Debray**. Coventry: Centre for Cultural Policy Studies, University of Warwick, Vol.7.
15. Ang, Ien, Isar, Yudhishtir Raj, & Mar, Phillip (2015). Cultural diplomacy: beyond the national interest?. *International Journal of Cultural Policy*, 21(4): P. 365-381.
16. Bazyar, Ahmad & Sheikh Mohammadi, Alireza (2018). An investigation into cultural policymaking of the Islamic Republic of Iran (Foundations, patterns, model). *The islamic college university journal*, (45): P. 45-61.
17. Belfiore, Eleonora, & Bennett, Oliver (2010). Beyond the "Toolkit Approach": arts impact evaluation research and the realities of cultural policy-making. *Journal for cultural research*, 14(2): P. 121-142.
18. Bell, David, & Oakley, Kate (2015). **Cultural policy**. London: Routledge.
19. Bennett, Toby (2001). **Differing diversities: Transversal study on the theme of cultural policy and cultural diversimty**. Strasbourg: Council of Europe.
20. Colavitti, Anna Maria, Usai, Alessia & Serra, Sergio (2018). Towards an Integrated Assessment of the Cultural Ecosystem Services in the Policy-Making for Urban Ecosystems: Lessons from the Spatial and Economic Planning for Landscape and Cultural Heritage in Tuscany and Apulia (IT). *Planning Practice & Research*, Vol.33, NO.4: P.1-33. <https://doi.org/10.1080/02697459.2018.1510275>
21. Craik, J., McAllister, L., & Davis, G. (2003). Paradoxes and contradictions in government approaches to contemporary cultural policy: An Australian perspective. *The International Journal of Cultural Policy*, 9(1):P. 17-33.
22. Cunningham, Stuart (2002). **Cultural studies from the viewpoint of cultural policy**. In: *Nation, Culture, Text* (pp. 133-146). Routledge.

23. Dubois, Vincent (2011). Cultural capital theory vs. cultural policy beliefs: How Pierre Bourdieu could have become a cultural policy advisor and why he did not. *Poetics*, 39(6): P.491-506.
24. Franken, Leni (2016). **Ronald Dworkin: Liberal Neutrality and Subsidizing Art**. In: *Liberal Neutrality and State Support for Religion* (pp. 45-52). Springer, Cham.
25. Garner, Ben (2016). **The politics of cultural development: Trade, cultural policy and the UNESCO convention on cultural diversity**. New York: Routledge.
26. Ghilardi, Lia (2001). **Cultural planning and cultural diversity**. In: *Differing Diversities*. By Yony Bennett. Strasbourg: Council of Europe Publishing.
27. Grodach, Carl & Silver, Daniel (Eds.) (2012). **The politics of urban cultural policy: Global perspectives**. Routledge.
28. Hebert, David & Rykowski, Mikolaj (Eds.). (2018). **Music Glocalization: Heritage and Innovation in a Digital Age**. Newcastle upon Tyne, UK: Cambridge Scholars Publishing.
29. Iwabuchi, Koichi (2018). Cultural policy, cross-border dialogue and cultural diversity. In: *Routledge Handbook of Japanese Media* (pp. 365-374).
30. King, Ian & Schramme, Annick (2019). **Cultural Governance in a Global Context: An International Perspective on Art Organizations**. Cham Springer International Publishing Cham Palgrave Macmillan
31. Luke, Christina & Kersel, Morag (2013). US cultural diplomacy and archaeology: soft power, hard heritage. New York; London: Routledge.
32. Miller, Toby (2010). **Cultural policy**. In: *The Encyclopedia of Literary and Cultural Theory*.
33. Mulcahy, Kevin (2017). **Hidden-Hand Culture: The American System of Cultural Patronage**. In: *Public Culture, Cultural Identity, Cultural Policy*. New York: Palgrave Macmillan, (P. 3-32).
34. Pantel, Mellisa. (2005). **Unity-in-diversity: cultural policy and EU legitimacy**. In: *Legitimacy and the European Union* (pp. 56-76). Routledge.
35. Pratt, Andy (2005). Cultural industries and public policy: An oxymoron?. *International journal of cultural policy*, 11(1): P. 31-44.
36. Roberge, Jonathan, Nantel, Lyne, & Rousseau, Andreeanne (2017). Who Needs a Plan